

An Analytical Study of the Nature of the Option Condition (Khiyar al-Shart) in Imami Jurisprudence and Iranian Law: An Approach to Digital Economy Challenges

Karim Asghari¹, Ali Bahraminejad^{2*}, Ahmad Reza Khazaei³

1. Department of Jurisprudence and Islamic Law and Imam Khomeini's Thought, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 237-254

Article history:

Received: 04 Apr 2026

Edition: 07 May 2026

Accepted: 11 Jul 2026

Published online: 23 Sep 2026

Keywords:

Option Condition (Khiyar al-Shart), Article 401 of the Civil Code, Gharar (Uncertainty), Smart Contracts, Blockchain, Digital Economy, Contractual Stability.

Corresponding Author:

Ali Bahraminejad

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, CT.C., Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law.

Orchid Code:

0009-0002-9320-8363

Tel:

09126548976

Email:

ali1342@iau.ic.ir

ABSTRACT

Background and Aims: The “option condition” is a pivotal tool for contract management; however, Article 401 of the Iranian Civil Code mandates the nullity of both the condition and the contract if the duration remains unspecified. This study aims to analyze the jurisprudential foundations of this rigor and assess its compatibility with the requirements of the digital economy to examine the necessity of revising traditional interpretations of temporal ambiguity and the rule of *Gharar* in smart contracts.

Materials and Methods: This is a theoretical research conducted through a descriptive-analytical methodology.

Ethical Considerations: Throughout all stages of this research, honesty, integrity, and the originality of the texts have been strictly observed.

Findings: The findings indicate that distinguishing between the jurisprudential nature of the option condition and the agreement upon it challenges the notion of absolute nullity. In blockchain-based smart contracts, “If-Then” logic replaces calendar time, and silence regarding duration does not necessarily imply *Gharar*-based ambiguity. Furthermore, traditional interpretations of Article 401 conflict with the principles of validity and bindingness in modern transactions and digital commercial customs, thereby jeopardizing contractual stability.

Conclusion: The study concludes that a “customary duration” or “reasonable duration” should be the criterion instead of absolute nullity. Recognizing programming codes as an explicit expression of execution timing in smart contracts prevents the instability of large-scale transactions. It is suggested that through a narrow interpretation of Article 401 and by relying on the validity of digital events, unnecessary nullities in the context of the modern economy can be prevented.

Cite this article as:

Asghari, K; Bahraminejad, A; Khazaei, A-R *An Analytical Study of the Nature of the Option Condition (Khiyar al-Shart) in Imami Jurisprudence and Iranian Law: An Approach to Digital Economy Challenges* .Economic Jurisprudence Studies. 2026.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۵

واکاوی تحلیلی ماهیت شرط خیار در فقه امامیه و حقوق ایران

با رویکردی بر چالش‌های اقتصاد دیجیتال

کریم اصغری^۱، علی بهرامی‌نژاد^۲، احمد رضا خزائی^۳

۱. گروه فقه و حقوق اسلامی و اندیشه امام خمینی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: خیار شرط ابزاری برای مدیریت قراردادهاست، اما ماده ۴۰۱ قانون مدنی در صورت عدم تعیین مدت، حکم به بطلان شرط و عقد می‌دهد. این پژوهش با هدف واکاوی مبانی فقهی این سخت‌گیری و سنجش انطباق آن با اقتضائات اقتصاد دیجیتال انجام شده است تا ضرورت بازنگری در تفسیر سنتی از ابهام مدت و قاعده غرر در قراردادهای هوشمند بررسی شود.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: به نظر می‌رسد تفکیک میان ماهیت فقهی خیار شرط و توافق بر آن، بطلان مطلق را زیر سوال می‌برد. در قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاک‌چین، منطق «اگر-آنگاه» جایگزین زمان تقویمی شده و سکوت در مدت، لزوماً به معنای ابهام غرری نیست. همچنین، برداشت‌های سنتی از ماده ۴۰۱ با اصول صحت و لزوم در معاملات نوین و عرف تجاری دیجیتال اصطکاک دارد و پایداری قراردادها را به مخاطره می‌اندازد.

نتیجه: پژوهش نتیجه می‌گیرد که به جای بطلان مطلق، باید «مدت عرفی» یا «مدت معقول» ملاک قرار گیرد. شناسایی کدهای برنامه‌نویسی به‌عنوان بیان صریح زمان‌بندی اجرا در قراردادهای هوشمند، از تزلزل معاملات کلان جلوگیری می‌کند. پیشنهاد می‌شود با تفسیر مضیق ماده ۴۰۱ و تکیه بر اعتبار رخدادهای دیجیتال، از بطلان‌های غیرضروری در بستر اقتصاد نوین پیشگیری شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۳۷-۲۵۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۰۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

خیار شرط، ماده ۴۰۱ قانون مدنی، غرر، قراردادهای هوشمند، بلاک‌چین، اقتصاد دیجیتال، پایداری قرارداد.

نویسنده مسئول:

علی بهرامی‌نژاد

آدرس پستی:

ایران، تهران، واحد تهران مرکزی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

09126548976

کد ارایه:

0009-0002-9320-8363

پست الکترونیک:

ali1342@iau.ic.ir

۱. مقدمه

اصل لزوم قراردادهای که در فقه امامیه با آیه شریفه «ووفوا بالعقود» و در حقوق مدنی با ماده ۲۱۹ شناخته می‌شود، ستون فقرات روابط حقوقی است. با این حال، نیازهای انسانی و ضرورت‌های عدالت معاوضی ایجاب می‌کند که این لزوم، مطلق نباشد. نهاد «خیار شرط» در حقوق ایران و فقه، بارزترین تبلور حاکمیت اراده برای تلطیف این لزوم است. متعاملین طبق ماده ۳۹۹ قانون مدنی این حق را دارند که برای مدتی معین، حق فسخ قرارداد را برای خود یا شخص ثالث محفوظ بدارند. اما چالش بزرگ زمانی رخ می‌دهد که طبق ماده ۴۰۱ قانون مدنی، عدم تعیین مدت برای خیار شرط، منجر به بطلان هم شرط و هم عقد می‌شود. این حکم که ریشه در پیشگیری از «غرر» (ابهام خطرناک) دارد، در دنیای امروز با چالش‌های جدی مواجه شده است.

در عصر حاضر، پارادایم‌های اقتصادی از معاملات سنتی و فیزیکی به سمت اقتصاد دیجیتال تغییر جهت داده‌اند. ظهور فناوری بلاک‌چین و قراردادهای هوشمند، مفاهیم کلاسیک حقوقی را با پرسش‌های نوینی روبرو کرده است. در یک قرارداد هوشمند که کدها به صورت خودکار اجرا می‌شوند، مفهوم «مدت» لزوماً یک تاریخ تقویمی (مثلاً ۱۰ روز) نیست، بلکه ممکن است وقوع یک رخداد دیجیتال باشد. اگر بخواهیم با نگاه سخت‌گیرانه ماده ۴۰۱ به این قراردادها بنگریم، بخش بزرگی از تجارت الکترونیک به دلیل ابهام در مدت، با خطر ابطال مواجه خواهد شد. این در حالی است که «پایداری قرارداد» یکی از اصول بنیادین حقوق تجارت بین‌الملل است.

ضرورت نگارش این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که میان رویکرد سنتی قانون مدنی (که تمایل به

ابطال عقد در صورت ابهام مدت دارد) و ضرورت‌های نوین اقتصادی (که تمایل به حفظ عقد دارد) شکافی عمیق ایجاد شده است. مسأله اصلی اینجاست که آیا می‌توان با بازخوانی مبانی فقهی و تکیه بر نظریاتی همچون «تفکیک بطلان شرط از عقد» یا پذیرش «عرف به عنوان تعیین‌کننده مدت»، از فروپاشی قراردادها جلوگیری کرد؟ این نوشتار در پی آن است که با روشی تحلیلی، ابتدا به کالبدشکافی ماده ۴۰۱ و ریشه‌های فقهی آن پرداخته و سپس با رویکردی آینده‌پژوهانه، وضعیت خیار شرط را در آینده قراردادهای هوشمند بررسی کند. هدف نهایی، ارائه تفسیری است که در عین وفاداری به مبانی فقه امامیه، بن‌بست‌های حقوقی در مسیر اقتصاد دیجیتال را گشوده و امنیت قضایی را برای فعالان این حوزه فراهم آورد. ما در این مسیر، ابتدا مفاهیم پایه را بررسی کرده و سپس به تحلیل تقابل سنت و مدرنیته در نهاد خیار شرط خواهیم پرداخت.

در نظام حقوقی اسلامی، قراردادها بر اساس اصل رضایت و آزادی اراده شکل می‌گیرند. با این حال، برای حفظ عدالت قراردادی و جلوگیری از سوءاستفاده، شارع مقدس مؤسساتی را مقرر کرده است که به طرفین امکان بازنگری یا فسخ معامله در شرایط خاص را می‌دهد. یکی از مهم‌ترین این مؤسسات، «خیار شرط» است که طی آن، یکی یا هر دو طرف قرارداد حق فسخ معامله را به صورت شرطی در خود قرارداد محفوظ می‌دارند. این حق، برخلاف سایر خیارات که معمولاً بر اساس وجود عیب یا نقص در قرارداد ایجاد می‌شوند، صرفاً مبتنی بر اراده آزاد طرفین است.

هدف این مقاله، بررسی تطبیقی خیار شرط در فقه امامیه و حقوق ایران است. این پژوهش

اصول صحت و لزوم در معاملات نوین و عرف تجاری دیجیتال اصطکاک دارد و پایداری قراردادهای را به مخاطره می‌اندازد.

۵. بحث

در این قسمت ابتدا به تبیین ماهیت خیار شرط پرداخته خواهد شد.

۵-۱-۱. تعریف و ماهیت خیار شرط در فقه

امامیه

در فقه امامیه، خیار شرط (که از آن به «خیار اشتراط» نیز تعبیر می‌شود) به معنای ملکیت فسخ عقد بر اساس توافق طرفین است. برخلاف سایر خیارات که منشأ آن‌ها حکم مستقیم شارع برای جبران ضرر (لاضرر) است، منشأ این خیار، حاکمیت اراده و تراضی (تراضی طرفین) می‌باشد. به عبارت دیگر، خیار شرط امکان می‌دهد تا در صورت وقوع شرایط خاص یا رخدادهای غیرمنتظره، بدون نیاز به ارائه دلیل خاص، از ادامه قرارداد صرف‌نظر شود. از منظر فقهی، این اختیار باید در زمان انعقاد عقد به صورت صریح و روشن توسط طرفین تعیین گردد. یکی از نکات مهم در فقه امامیه آن است که چنین شرطی نه تنها برای حفظ حقوق طرفین ضروری است، بلکه در صورتی که طرفین به طور کامل و آگاهانه به آن توافق کنند، معتبر و قابل اجرا خواهد بود. این شرط به ویژه در معاملات بیع، اجاره، هبه و حتی سایر قراردادهای قابل اعمال است.

۵-۱-۲. مبانی مشروعیت و اصالت لزوم

مبنای اصلی مشروعیت خیار شرط در فقه، عموماتی همچون «أَوْقُوا بِالْعُقُودِ» و به ویژه قاعده «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ» است. فقهای امامیه معتقدند که لزوم در عقد، یک لزوم حکمی محض نیست که قابل تغییر نباشد، بلکه لزومی است که حق طرفین در تغییر آن محفوظ است. به عبارت

می‌کوشد نشان دهد که چگونه فقه امامیه در تعیین شروط قانونی برای فسخ قراردادهای، به ویژه در شرایط خاص، به حفظ حقوق طرفین توجه کرده و در همین راستا، حقوق ایران تا چه اندازه اصول مذکور را در قوانین خود پذیرفته و به مرحله‌ی اجرا رسانده است.

در نظام حقوقی ایران، خیار شرط در ماده ۴۵۸ قانون مدنی به صورت صریح پذیرفته شده و در عمل، به ویژه در قراردادهای تجاری و مالی، کاربرد گسترده‌ای دارد. با این حال، برخی ابهامات در تفسیر این ماده و تفاوت‌های موجود میان فقه امامیه و قانون مدنی، همواره چالش‌هایی را در اجرای آن ایجاد کرده است. این پژوهش، با هدف تحلیل تطبیقی خیار شرط در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران، درصدد پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان این نهاد فقهی-حقوقی را با حفظ هویت اسلامی، همسو با نیازهای حقوقی معاصر به کار گرفت.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیل است. از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

تفکیک میان ماهیت فقهی خیار شرط و توافق بر آن، بطلان مطلق را زیر سوال می‌برد. در قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاک‌چین، منطق «اگر-آنگاه» جایگزین زمان تقویمی شده و سکوت در مدت، لزوماً به معنای ابهام‌گرری نیست. همچنین، برداشت‌های سنتی از ماده ۴۰۱ با

۵-۲-۲. ایجاد فرصت تحقیق و مشاوره (خيار التروی)

در بسیاری از معاملات، طرفین (به‌ویژه در کالاهای خاص) نیاز به زمان دارند تا با کارشناس مشورت کنند یا بازار را بسنجند. خيار شرط به آن‌ها این اجازه را می‌دهد که عقد را منعقد کنند اما برای مدتی (مثلاً سه روز) حق فسخ بگذارند تا «رضایت باطنی» آن‌ها تکمیل شود.

مبنای فقهی: فقها این کاربرد را برای جلوگیری از «ندامت» و «ضرر» در معامله بسیار توصیه کرده‌اند (نجفی، ۱۳۶۲، ۳۹).

۵-۲-۳. استفاده در عقود غیر از بیع (صلح، اجاره و...)

برخلاف برخی خيارات که مخصوص بیع هستند (مثل خيار مجلس)، خيار شرط در اکثر عقود لازم جریان دارد.

کاربرد: در عقد صلح یا اجاره، طرفین می‌توانند برای محکم‌کاری، حق فسخ پیش‌بینی کنند. این کاربرد نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری بالای این نهاد در حقوق اسلامی است تا ثبات قراردادهای با اراده طرفین تنظیم شود (کاتوزیان، ۱۳۹۷، ۷۲).

۵-۲-۴. خيار شرط به سود ثالث

یکی از ظرافت‌های فقهی، امکان قرار دادن حق فسخ برای شخصی خارج از معامله (شخص ثالث) است.

مثال: پدر برای فرزندش خانه‌ای می‌خرد اما در عقد شرط می‌کند که دوست معتمد او تا یک هفته حق فسخ داشته باشد. این کاربرد در معاملات پیچیده تجاری و خانوادگی برای نظارت بر حسن انجام معامله بسیار کارآمد است (امامی، ۱۳۹۸، ۴۶۵).

دیگر، خيار شرط نوعی «علقه» و وابستگی ایجاد می‌کند که به صاحب حق اجازه می‌دهد بر تزلزل یا ثبات عقد چیره شود.

۵-۱-۳. پیوند ماهیت خيار با عنصر «زمان»

در اندیشه فقهی، خيار شرط بدون «زمان» معنای محصلی ندارد. ماهیت این خيار با مفهوم «امتداد» گره خورده است؛ یعنی صاحب خيار باید بداند از چه لحظه‌ای تا چه لحظه‌ای قدرت انحلال را دارد. غرر (ابهام) در اینجا زمانی رخ می‌دهد که این سلطنت بر عقد، «بی‌حد و حصر» رها شود، چرا که تزلزل ابدی در ملکیت، با نظم عمومی و ثبات معاملات در فقه سازگار نیست. به همین دلیل است که مشهور فقها، ذکر مدت را قید صحت شرط و عقد می‌دانند.

۵-۲. کاربردهای خيار شرط در معاملات

فقهی

خيار شرط در فقه امامیه صرفاً یک حق فسخ ساده نیست، بلکه ابزاری برای مدیریت ریسک و تأمین خواسته طرفین در عقود مختلف است. مهم‌ترین کاربردهای فقهی این نهاد در ادامه مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

۵-۲-۱. بیع خياری

یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین کاربردها، «بیع‌الشرط» است. در این معامله، فروشنده مال را می‌فروشد اما با خریدار شرط می‌کند که اگر در مدت معینی ثمن (پول) را بازگرداند، حق فسخ معامله و پس گرفتن مبیع را داشته باشد.

کاربرد فقهی: این نهاد در فقه عمدتاً برای کمک به فروشنده‌گانی طراحی شده که نیاز فوری به نقدینگی دارند اما نمی‌خواهند مالکیت مال خود را برای همیشه از دست بدهند (انصاری، ۱۴۲۸، ۱۰۵).

باشند بدون آنکه اصل ازدواج آسیب ببیند (محقق حلی، ۱۳۶۷، ۲۷۲).

۴-۵. خیار شرط در نظام حقوقی ایران

قانون مدنی ایران در مواد ۳۹۹ الی ۴۰۱، تحت تأثیر مستقیم فقه امامیه، به تبیین جایگاه خیار شرط پرداخته است. در نظام حقوقی ما، این خیار نه تنها به عنوان یک ابزار قراردادی، بلکه به عنوان قاعده‌ای آمره در بحث تعیین مدت شناخته می‌شود.

۴-۵-۱. جایگاه قانونی و نفوذ اراده

طبق ماده ۳۹۹ ق.م، در عقد بیع ممکن است شرط شود که در مدت معین برای بایع یا مشتری یا هر دو یا شخص خارجی، اختیار فسخ معامله باشد. این ماده نشان‌دهنده پذیرش مطلق «حاکمیت اراده» در تعیین حق فسخ است. حقوقدانان معتقدند این ماده منحصر به بیع نیست و طبق ماده ۴۵۶ ق.م، در تمام عقود لازم (به جز نکاح) جاری است (علوی امین، ۱۴۰۲، ۵۳).

۴-۵-۲. امکان اشتراط برای ثالث

قانون مدنی در ماده ۴۰۰ صراحتاً بیان می‌دارد که اگر ابتدای مدت خیار ذکر نشده باشد، ابتدا از تاریخ عقد محسوب است. این رویکرد قانونگذار برای جلوگیری از ابهام و «تفسیر به نفع ثبات قرارداد» است. همچنین واگذاری این حق به ثالث، نشان‌دهنده پذیرش «تعهد به نفع ثالث» در قالب حق فسخ است (شهیدی، ۱۳۹۹، ۶۵).

۴-۵-۳. چالش تعیین مدت و نظم عمومی

حساس‌ترین بخش در نظام حقوقی ایران، ماده ۴۰۱ قانون مدنی است. این ماده مقرر می‌دارد: «اگر برای خیار شرط مدت معین نشده باشد، هم شرط خیار و هم بیع باطل است». این سخت‌گیری قانونگذار نشان‌دهنده آن است که تعیین مدت در خیار شرط، با «نظم عمومی

۵-۳. موارد کاربرد اقتصادی خیار شرط

خیار شرط در ابواب مختلف فقهی، فراتر از یک حق فسخ ساده در خرید و فروش، نقش تنظیم‌کننده‌ی روابط مالی را ایفا می‌کند.

۵-۳-۱. تحدید مسئولیت در عقد صلح

عقد صلح به دلیل ماهیت «مسامحه‌ای» خود، ظرفیت بالایی برای پذیرش شروط دارد. فقها از خیار شرط در صلح استفاده می‌کنند تا در قراردادهایی که صلح به جای ابراء یا تملیک واقع می‌شود، راهی برای بازگشت و بازنگری در توافق باقی بماند (حکیم، ۱۴۱۶، ۲۴۵).

۵-۳-۲. شرط اختیار در عقد اجاره (اجاره

به شرط تملیک مقدماتی)

در فقه، کاربرد خیار شرط در اجاره برای زمانی است که مستأجر یا موجر بخواهند تداوم استیفای منفعت را منوط به شرایط خاصی کنند. این موضوع زیربنای فقهی قراردادهای نوین اجاره به شرط تملیک در بانکداری اسلامی محسوب می‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۶، ۱۱۲).

۵-۳-۳. کارکرد نظارتی در عقد وکالت و وصایت

اگرچه وکالت عقدی جایز است، اما در مواردی که وکالت به صورت «بلاعزل» در ضمن عقد لازمی شرط می‌شود، گنجانیدن خیار شرط برای اصیل، ابزاری است تا بتواند بر عملکرد وکیل نظارت داشته و در صورت لزوم، رابطه حقوقی را منحل کند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۱۳۵).

۵-۳-۴. خیار شرط در نکاح

برخلاف اکثر عقود، در «اصل نکاح» خیار شرط راه ندارد (باعث بطلان است)، اما فقها کاربرد آن را در «صداق» (مهریه) پذیرفته‌اند. یعنی زوجین می‌توانند شرط کنند که در صورت بروز شرایطی، حق فسخ نسبت به میزان یا نوع مهریه را داشته

که از عقد تا زمان فسخ حاصل می‌شود، متعلق به مشتری است؛ زیرا او در این مدت مالک قانونی بوده است. با این حال، نمائات متصله (مثل چاق شدن گوسفند) تابع مبیع بوده و به فسخ‌کننده برمی‌گردد، اما نمائات منفصله (مثل گوساله یا میوه) برای مشتری باقی می‌ماند (امامی، ۱۳۹۸، ۵۳۰).

۵-۳. اثر قهقرایی یا ناظر به آینده؟

در حقوق ایران، اثر فسخ نسبت به «انحلال قرارداد» از زمان وقوع فسخ است (اثر نسبت به آینده)، اما نسبت به «استرداد عوضین»، اثر آن شبیه به بطلان (اثر قهقرایی) است. یعنی طرفین باید دقیقاً همان مالی را که گرفته‌اند برگردانند. اگر مال تلف شده باشد، طبق قواعد بدل (مثل یا قیمت) باید مسترد شود (شهیدی، ۱۳۹۹، ۱۱۰).

۵-۴. حقوق اشخاص ثالث

اگر خریدار قبل از فسخ، مال را به شخص ثالثی فروخته باشد، طبق ماده ۴۵۴ و ۴۵۵ ق.م. فسخ بعدی فروشنده‌ی اول، اصولاً در حقوق ثالث اثر ندارد؛ «مگر اینکه» حق فسخ صراحتاً در قرارداد ذکر شده و در روزنامه یا دفتر ثبت اسناد منعکس شده باشد که در این صورت معامله دوم قابل ابطال است (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۶، ۲۱۰).

۵-۶. نقد و بررسی تطبیقی: از صلبیت

قانونی تا انعطاف قضایی

در این بخش، رویکرد سخت‌گیرانه قانون مدنی ایران (ماده ۴۰۱) را در ترازوی نقد گذاشته و آن را با رویکرد مدرن در حقوق بین‌الملل مقایسه می‌کنیم.

۵-۶-۱. نقد ماده ۴۰۱ ق.م. در تقابل با اصل

صحت (اصالة الصحة)

بزرگترین نقد وارد بر حقوق ایران، سرایت بطلان شرط بدون مدت به اصل عقد است. در حالی که

اقتصادی و جلوگیری از غرر پیوند خورده است. برخلاف سایر شروط که بطلان آن‌ها به عقد سرایت نمی‌کند، در اینجا بطلان شرط، «مفسد عقد» است (صفایی، ۱۴۰۰، ۲۴۵).

۵-۴. تشریفات اعمال خیار در رویه

قضایی

در حقوق ایران، صرف داشتن حق فسخ کافی نیست؛ بلکه صاحب خیار باید اراده خود را مبنی بر فسخ به طرف مقابل اعلام کند (معمولاً از طریق اظهارنامه). رویه قضایی ایران بر این نکته تأکید دارد که خیار شرط باید در مهلت مقرر اعمال شود و با انقضای مدت، عقد لزوم پیدا می‌کند (بازگیر، ۱۳۹۵، ۱۱۲).

۵-۵. آثار حقوقی-اقتصادی خیار شرط

آثار خیار شرط را باید در دو مرحله‌ی مجزا بررسی کرد: مرحله‌ی «وجود حق خیار» (پیش از فسخ) و مرحله‌ی «اعمال حق خیار» (پس از فسخ).

۵-۵-۱. مالکیت متزلزل و تصرفات صاحب

خیار

به محض وقوع عقد، مالکیت منتقل می‌شود (ماده ۳۶۳ ق.م)، اما به دلیل وجود خیار شرط، این مالکیت «متزلزل» است. طبق ماده ۴۶۰ قانون مدنی، در بیع شرط، مشتری نمی‌تواند تصرفاتی در مبیع کند که منافای با خیار باشد (مثل اتلاف یا انتقال به غیر)، مگر اینکه فروشنده اجازه داده باشد. این اثر، نشان‌دهنده «حق عینی» صاحب خیار بر مبیع است (کاتوزیان، ۱۴۰۲، ۱۸۵).

۵-۵-۲. سرنوشت نمائات و منافع (ماده

۴۵۹ ق.م)

یکی از آثار مهم خیار شرط، تعیین تکلیف سود و منافع مال در مدتی است که خریدار مالک آن بوده است. طبق ماده ۴۵۹ ق.م، نمائات و منافی

آمادگی پذیرش «خیار شرط‌های دیجیتال» را که ممکن است شروع و پایان آن‌ها بر اساس الگوریتم‌های متغیر باشد، ندارند (نیکومنش، ۱۴۰۱، ۸۳).

۵-۷. پیشنهادات اصلاحی جهت

کارآمدسازی نظام حقوقی ایران

با توجه به چالش‌های مطرح شده در نقد تطبیقی و تحولات نوین در عرصه معاملات، پیشنهادات زیر جهت اصلاح رویه قضایی و بازنگری در قوانین موضوعه ارائه می‌گردد:

۵-۷-۱. تعدیل ماده ۴۰۱ قانون مدنی

(پذیرش مهلت عرفی)

پیشنهاد می‌شود قانونگذار با الهام از حقوق مدرن و برخی دیدگاه‌های فقهی کمتر مشهور، ماده ۴۰۱ را به گونه‌ای اصلاح کند که عدم تعیین مدت، لزوماً منجر به بطلان عقد نشود. می‌توان مقرر کرد که در صورت سکوت طرفین، «مهلت عرفی» (بر اساس نوع معامله و مبیع) جایگزین مدت معین گردد. این امر به ثبات قراردادها کمک شایانی خواهد کرد.

مبنای تحلیلی: بهره‌گیری از اصل «تنفیذ قرارداد» و جلوگیری از ضرر ناشی از بطلان کل معامله.

۵-۷-۲. تفکیک میان بیع‌الشرط واقعی و

معاملات وثیقه‌ای

با توجه به تعارضات موجود میان ماده ۴۵۸ ق.م و قانون ثبت، پیشنهاد می‌شود در بازنگری قانون مدنی، ماهیت «وثیقه‌ای» معاملات با حق استرداد صراحتاً ذکر شود تا راه بر سوءاستفاده‌های مالی و نزول خواری تحت پوشش خیار شرط کاملاً بسته شود و رویه قضایی از تشتت آراء خارج گردد.

در نظام‌های حقوقی پیشرو (مانند آلمان و فرانسه)، تلاش بر «تفسیر قرارداد» و نجات آن است. قانون مدنی ایران با ابطال کل عقد، به ثبات اقتصادی آسیب می‌زند. منتقدین معتقدند می‌توان با استفاده از مفهوم «مدت عرفی»، از بطلان عقد جلوگیری کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۷، ۳۴۰).

۵-۶-۲. رویکرد تطبیقی با کنوانسیون بیع

بین‌المللی کالا (CISG)

در کنوانسیون بیع بین‌المللی (۱۹۸۰)، مفهومی به نام «خیار شرط» به سبک فقهی ما وجود ندارد، اما «حق فسخ» تحت شرایطی پذیرفته شده است. تفاوت بنیادین در این است که در کنوانسیون، اگر مدتی تعیین نشود، حق فسخ در «مهلت متعارف» اجرا می‌شود؛ برخلاف حقوق ایران که عدم تعیین مدت را مفسد عقد می‌داند (جلیلی، ۱۳۹۹، ۵۸).

۵-۶-۳. مقایسه با نظام کامن‌لا (حقوق

انگلیس و آمریکا)

در حقوق کامن‌لا، شروط قراردادی به «شرط» و «تضمین» تقسیم می‌شوند. خیار شرط در ایران شباهت زیادی به Option Contract دارد. با این تفاوت که در حقوق انگلیس، اگر مدتی ذکر نشود، قرارداد باطل نمی‌شود، بلکه دادگاه با نگاه به «قصد طرفین» و «عرف تجاری»، مدتی را فرض می‌کند. این رویکرد «انعطاف‌پذیر»، نقطه مقابل رویکرد «تکلیفی» ماده ۴۰۱ ایران است (حمیدی، ۱۴۰۲، ۷۲).

۵-۶-۴. چالش قراردادهای هوشمند

در نقد نوین، ماده ۴۰۱ با چالش قراردادهای مبتنی بر بلاک‌چین روبروست. در قراردادهای هوشمند، کدها جایگزین کلمات می‌شوند و انقضای مدت به صورت خودکار عمل می‌کند. نقد وارد بر حقوق ایران این است که قوانین فعلی

۵-۷-۳. پذیرش «خيار شرط هوشمند» در حقوق تجارت الكترونيك

با گسترش قراردادهای هوشمند، لازم است قانونگذار «تعیین مدت الگوریتمیک» را به رسمیت بشناسد. پیشنهاد می‌شود در قانون تجارت الكترونيك، مواردی که مدت خيار به وقوع یک رویداد دیجیتالی (اوراکل) گره خورده است، مشمول ابهام و بطلان ماده ۴۰۱ قرار نگیرد (مرادی، ۱۴۰۴، ۴۸).

۴-۷-۵. لزوم ثبت رسمي خيارات در معاملات اموال غيرمنقول

برای حمایت از حقوق اشخاص ثالث (موضوع مواد ۴۵۴ و ۴۵۵ ق.م)، پیشنهاد می‌شود درج خيار شرط در معاملات اموال غيرمنقول، منوط به ثبت در سند رسمي و دفتر املاک گردد. این امر مانع از تضییع حقوق خریداران بعدی می‌شود که از وجود حق فسخ در معاملات قبلی بی‌اطلاع هستند.

۵-۷-۵. تبیین تشریفات فسخ در قانون آیین دادرسی مدنی

پیشنهاد می‌شود جهت جلوگیری از دعاوی واهی، تشریفات اعلام اراده (مثل الزام به ارسال اظهارنامه رسمي در مهلت خيار) به عنوان یک رکن شکلی برای پذیرش دعوای فسخ در محاکم تعریف شود تا از ادعاهای شفاهی و پسینی در مورد اعمال فسخ جلوگیری شود.

۵-۸. چالش‌ها و موانع اجرایی خيار شرط در رویه قضایی و عملی

با وجود صراحت قانون مدنی، اعمال خيار شرط در مقام اجرا با موانع جدی روبروست که منجر به تولید پرونده‌های متعدد در دستگاه قضایی می‌گردد. مهم‌ترین این چالش‌ها عبارتند از:

۵-۸-۱. اثبات زمان دقیق اعمال فسخ (چالش اثباتی)

از آنجا که فسخ یک «ایقاع» است و با اراده صاحب خيار واقع می‌شود، بزرگترین مانع اجرایی، اثبات این موضوع است که آیا فسخ در مهلت مقرر انجام شده یا خیر؟ ادعاهای شفاهی یا شهادت شهود در مورد فسخ قرارداد در آخرین روزهای مهلت، اغلب با تردید جدی محاکم روبرو می‌شود و امنیت قضایی را به مخاطره می‌اندازد (بازگیر، ۱۳۹۵، ۲۱۰).

۲-۸-۵. تعارض میان «اراده باطنی» و «اعتبار اسناد رسمي»

در اموال غيرمنقول، زمانی که خيار شرط در سند عادی (مبیعه‌نامه) ذکر شده اما در سند رسمي انتقال به آن اشاره‌ای نمی‌شود، چالشی بزرگ ایجاد می‌گردد. محاکم اغلب در پذیرش حق فسخ ناشی از سند عادی علیه سند رسمي (طبق مواد ۲۲ و ۴۸ قانون ثبت) دچار تشکیک آراء هستند که این امر موجب بلاتکلیفی طرفین می‌شود (شهری، ۱۴۰۴، ۲۴۵).

۵-۸-۳. ابهام در مفهوم «مدت معین» در عبارات عرفی

استفاده از عباراتی همچون «تا زمان انتقال سند» یا «تا زمان تخلیه ملک» به عنوان مدت خيار، چالش برانگیز است. برخی قضات این موارد را به دلیل عدم تعیین تاریخ دقیق، مشمول ماده ۴۰۱ و موجب بطلان عقد می‌دانند، در حالی که برخی دیگر آن را «قابل تعیین» دانسته و حکم به صحت می‌دهند. این عدم وحدت رویه، یکی از موانع اصلی اجرای عدالت قراردادی است (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ذیل ماده ۴۰۱).

۵-۸-۴. سرنوشت حقوق ثالث و حسن نیت

در مواردی که خریدار با وجود خیار شرط در قرارداد، ملک را به دیگری منتقل می‌کند، چالش «حمایت از ثالث با حسن نیت» پدید می‌آید. رویه قضایی ایران هنوز در دوراهی «حمایت از مالک اصلی (فروشنده دارای خیار)» و «حمایت از ایادی بعدی و پایداری معاملات» با چالش جدی روبروست و ملاک واحدی برای ابطال یا عدم ابطال معاملات بعدی ندارد (موسوی افشار، ۱۴۰۴، ۳۸).

۵-۹. راهکارهای عملیاتی جهت رفع**چالش‌ها و موانع اجرایی**

برای برون‌رفت از بن‌بست‌های اجرایی و کاهش دعاوی مربوط به خیار شرط، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

۵-۹-۱. الزام به ابلاغ اراده از طریق مجاری**رسمی (رفع چالش اثباتی)**

برای پایان دادن به ادعاهای شفاهی در مورد اعمال فسخ، پیشنهاد می‌شود رویه قضایی به سمتی حرکت کند که اعمال خیار شرط تنها در صورتی مسموع باشد که از طریق «اظهارنامه رسمی» یا «پست سفارشی» در مهلت مقرر به طرف مقابل ابلاغ شده باشد. این امر شفافیت زمان اعمال حق را تضمین می‌کند.

مبنا: استفاده از ملاک ماده ۱۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی جهت ابلاغ رسمی اراده.

۵-۹-۲. بهره‌گیری از ظرفیت «شرط فعل»**برای تعیین مدت (رفع ابهام ماده ۴۰۱)**

برای جلوگیری از ابطال قراردادهایی که مدت خیار در آن‌ها با عباراتی مثل «تا زمان تنظیم سند» تعیین شده، پیشنهاد می‌شود طرفین این مهلت را به صورت «ترکیبی» بنویسند؛ به این صورت که: «... تا زمان تنظیم سند که نباید از

تاریخ فلان فراتر رود». این کار، هم هدف طرفین را تامین می‌کند و هم از شمول بطلان ماده ۴۰۱ خارج می‌شود (شاه‌طاهری، ۱۳۹۸، ۹۲).

۵-۹-۳. درج خیار در ستون «توضیحات»**دفتر املاک (حمایت از حقوق ثالث)**

به منظور رفع تعارض سند عادی و رسمی، پیشنهاد می‌شود سازمان ثبت اسناد و املاک، درج وجود «حق فسخ» را در سامانه‌های الکترونیکی ثبت (ثبت آنی) اجباری کند. با این کار، هر شخص ثالثی که قصد معامله دارد، با استعلام ملک متوجه وجود خیار شرط می‌شود و چالش «حسن نیت ثالث» به کلی مرتفع می‌گردد (توسلی، ۱۴۰۳، ۴۷).

۵-۹-۴. استفاده از «نهاد دآوری» برای**تشخیص اعمال خیار**

پیشنهاد می‌شود در قراردادهایی که دارای خیار شرط هستند، یک «داور مرضی‌الطرفین» تعیین شود تا به محض بروز اختلاف در مورد انقضای مدت یا نحوه اعمال فسخ، داور با نگاهی فنی و سریع (خارج از تشریفات طولانی دادگاه) نظر دهد. این کار مانع از تزلزل طولانی مدت مالکیت می‌شود.

۵-۹-۵. توسعه رویکرد «تفسیر به نفع**قرارداد» در محاکم**

قضات محترم می‌توانند با استفاده از «تفسیر غایی»، در مواردی که مدت خیار شرط به طور دقیق ذکر نشده اما از اوضاع و احوال قرارداد (مثل عرف خاص صنف) قابل استخراج است، حکم به صحت قرارداد دهند و از تفسیرهای لفظی که منجر به بطلان عقد (به عنوان آخرین راهکار) می‌شود، پرهیز کنند.

۵-۱۰. مسائل حقوقی و فقهی معاصر در زمینه خیار شرط

در عصر حاضر، مفاهیم سنتی خیار شرط با پدیده‌های نوین اقتصادی و تکنولوژیک روبرو شده‌اند که بازخوانی فقهی و حقوقی آن‌ها را ضروری ساخته است:

۵-۱۰-۱. خیار شرط در قراردادهای هوشمند و بلاک‌چین

در فضای معاصر، چالش این است که آیا «کدهای برنامه‌نویسی» می‌توانند جایگزین اراده صریح در اعمال خیار شرط شوند؟ از منظر فقهی، بحث «قصد» (اراده باطنی) در اجرای خودکار فسخ توسط قراردادهای هوشمند مطرح است. حقوقدانان معاصر معتقدند اگر الگوریتم بر اساس توافق اولیه تنظیم شده باشد، اجرای خودکار آن توسط سیستم، مصداق «فسخ فعلی» و کاملاً معتبر است (تاج لنگرودی، ۱۴۰۴، ۳۴).

۵-۱۰-۲. تأثیر تورم لجام‌گسیخته بر عدالت قراردادی در خیار شرط

در شرایط اقتصادی معاصر ایران، اگر مدتی طولانی برای خیار شرط (مثلاً یک سال) در نظر گرفته شود، نوسانات شدید قیمت می‌تواند تعادل معامله را به کلی از بین ببرد. چالش حقوقی اینجاست که آیا می‌توان با استناد به «نظریه حوادث پیش‌بینی نشده» یا «قاعده لاضرر»، حق فسخ ناشی از خیار شرط را در صورت سوءاستفاده از شرایط تورمی محدود کرد؟ برخی فتاوی معاصر به سمت «تعدیل قرارداد» یا محدود کردن حق فسخ در صورت بروز غبن فاحش برای طرف مقابل متمایل شده‌اند (خرام و همکاران، ۱۴۰۳، ۳۴۶).

۵-۱۰-۳. خیار شرط در قراردادهای الحاقی (بانکی و بیمه‌ای)

در قراردادهای مدرن که یک طرف (مثل بانک) شرایط را تحمیل می‌کند، درج خیار شرط به نفع طرف قوی‌تر، چالش «شروط تحمیلی و غیرمنصفانه» را به دنبال دارد. در حقوق معاصر، این بحث مطرح است که آیا چنین خیار شرطی به دلیل مغایرت با نظم عمومی اقتصادی و حقوق مصرف‌کننده، باطل است یا خیر؟ گرایش نوین فقهی بر این است که خیار که موجب «سلطه غیرعادلانه» (قاعده نفی سبیل در روابط اقتصادی) شود، فاقد اعتبار است (امیری و پهلوان زاده، ۱۴۰۳، ۶۹).

۵-۱۰-۴. ماهیت حقوقی «حق پشیمانی» در بیع آنلاین

در قانون تجارت الکترونیک، حق به نام «حق انصراف ۷ روزه» پیش‌بینی شده است. مسئله حقوقی معاصر این است که آیا این حق، ماهیتاً همان «خیار شرط» است یا یک «خیار قانونی» مستقل؟ تفاوت در اینجاست که در خیار شرط، توافق طرفین شرط است، اما در بیع آنلاین، این حق ناشی از حکم قانون است و حتی با توافق نیز قابل اسقاط نیست (برخلاف خیار شرط سنتی) (نوری و نجوانی، ۱۳۹۰، ۶۵).

۵-۱۱. اقتصاد دیجیتال و تحول مفهوم قرارداد

اقتصاد دیجیتال به مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی گفته می‌شود که بر پایه داده، فناوری‌های ارتباطی، پلتفرم‌های آنلاین، هوش مصنوعی، بلاک‌چین و سامانه‌های خودکار شکل می‌گیرد. در این نوع اقتصاد، قراردادها دیگر صرفاً در قالب اسناد کاغذی یا مذاکرات حضوری منعقد نمی‌شوند، بلکه بخش قابل توجهی از روابط

قراردادی در بسترهای الکترونیکی، پلتفرم‌های دیجیتال و سامانه‌های غیرمتمرکز انجام می‌گیرد. خرید و فروش آنلاین، خدمات پلتفرمی، رمزارزها، توکن‌های دیجیتال، قراردادهای مبتنی بر داده و قراردادهای هوشمند از مهم‌ترین مصادیق این تحول محسوب می‌شوند. در اقتصاد سنتی، زمان، مکان، هویت طرفین و نحوه اجرای تعهدات معمولاً قابل مشاهده و مبتنی بر اسناد فیزیکی بود. اما در اقتصاد دیجیتال، بسیاری از این عناصر دچار دگرگونی شده‌اند. طرفین ممکن است در دو کشور متفاوت باشند، موضوع قرارداد ممکن است دارایی دیجیتال یا داده باشد، اجرای تعهد ممکن است توسط الگوریتم صورت گیرد و زمان اجرای قرارداد نیز به جای تاریخ تقویمی، به تحقق یک رویداد دیجیتال وابسته باشد. همین ویژگی‌ها سبب می‌شود که قواعد سنتی قراردادها، از جمله قواعد مربوط به خیار شرط، نیازمند بازخوانی و تفسیر متناسب با اقتضائات نوین باشند (Wang, 2026, 114; UNCTAD, 2024, 11).

خیار شرط در اقتصاد دیجیتال می‌تواند نقش مهمی در مدیریت ریسک ایفا کند. در معاملات آنلاین، به دلیل فاصله فیزیکی طرفین، نبود امکان بررسی مستقیم کالا یا خدمت، نوسان شدید ارزش دارایی‌های دیجیتال و سرعت بالای اجرای قراردادها، طرفین بیش از گذشته نیازمند ابزاری برای بازنگری یا خروج از قرارداد هستند. از این منظر، خیار شرط می‌تواند همان کارکرد سنتی خود، یعنی ایجاد فرصت تأمل و پیشگیری از ضرر، را در قالبی نوین حفظ کند. با این حال، چالش اصلی آن است که آیا قواعدی مانند ماده ۴۰۱ قانون مدنی، که بر تعیین مدت معین تأکید دارد، می‌تواند پاسخگوی ماهیت سیال و رخدادمحور قراردادهای دیجیتال باشد یا خیر.

در این بستر، نمی‌توان هرگونه فقدان تاریخ تقویمی را به معنای ابهام و غرر دانست. در بسیاری از قراردادهای دیجیتال، مدت یا زمان اعمال حق فسخ ممکن است از طریق کد، الگوریتم، شرط فنی یا تحقق یک رخداد مشخص تعیین شود. برای مثال، در یک قرارداد هوشمند ممکن است مقرر شود که تا پیش از تأیید نهایی تراکنش در شبکه بلاک‌چین، یا تا پیش از انتقال توکن به کیف پول مقصد، یکی از طرفین حق انصراف داشته باشد. در چنین مواردی، هرچند مدت به صورت روز، ماه یا سال بیان نشده است، اما زمان اعمال حق از نظر فنی و عرف دیجیتال قابل تعیین است و نمی‌توان آن را مجهول یا غرری تلقی کرد. بنابراین، اقتصاد دیجیتال اقتضا می‌کند که مفهوم «مدت معین» در خیار شرط صرفاً به مدت تقویمی محدود نشود، بلکه شامل مدت فنی، الگوریتمی و رخدادمحور نیز باشد. چنین تفسیری هم با اصل صحت قراردادها سازگارتر است و هم از بطلان غیرضروری معاملات نوین جلوگیری می‌کند.

۵-۱۲. خیار شرط در قراردادهای هوشمند و معاملات مبتنی بر بلاک‌چین

قرارداد هوشمند نوعی توافق دیجیتال است که مفاد آن در قالب کدهای برنامه‌نویسی تنظیم شده و پس از تحقق شرایط مقرر، به صورت خودکار اجرا می‌شود. این قراردادها معمولاً بر بستر بلاک‌چین قرار دارند و به دلیل ویژگی‌هایی مانند شفافیت، تغییرناپذیری، خوداجرایی و حذف واسطه، جایگاه مهمی در اقتصاد دیجیتال پیدا کرده‌اند. در چنین قراردادهایی، اجرای تعهدات وابسته به اراده مجدد طرفین در زمان اجرا نیست، بلکه سامانه فنی بر اساس منطق «اگر - آنگاه» عمل می‌کند؛ یعنی اگر شرطی خاص محقق شود،

اثر حقوقی یا مالی مشخصی به طور خودکار اجرا می‌گردد (Kaur, 2025, 64).

در ارتباط با خيار شرط، پرسش اساسی این است که آیا می‌توان حق فسخ را در قالب کدهای برنامه‌نویسی پیش‌بینی کرد؟ پاسخ مثبت به نظر می‌رسد؛ زیرا در فقه امامیه و حقوق ایران، ملاک اصلی در اعمال خيار، وجود اراده معتبر و قابلیت انتساب آن به صاحب حق است. اگر طرفین در زمان انعقاد قرارداد هوشمند توافق کرده باشند که در صورت تحقق یا عدم تحقق یک رویداد مشخص، حق فسخ یا بازگشت دارایی ایجاد شود، اجرای خودکار این حق توسط کد را می‌توان نوعی اعمال اراده از پیش اعلام‌شده دانست. به بیان دیگر، کد در اینجا جایگزین اراده نیست، بلکه ابزار ابراز و اجرای اراده قبلی طرفین است.

برای نمونه، در معامله یک دارایی دیجیتال ممکن است شرط شود که اگر خریدار تا زمان مشخصی ثمن را به کیف پول فروشنده منتقل نکند، قرارداد به صورت خودکار منحل شود و دارایی دیجیتال به فروشنده بازگردد. همچنین ممکن است در قرارداد تأمین مالی غیرمتمرکز شرط شود که اگر ارزش وثیقه دیجیتال از حد معینی کمتر شود، قرارداد وارد مرحله فسخ یا تسویه خودکار گردد. در این موارد، خيار شرط نه در قالب عبارت سنتی «تا سه روز حق فسخ دارد»، بلکه در قالب کد، شرط فنی، زمان بلاک، هش تراکنش یا رخداد دیجیتال بیان می‌شود (Boccia, 2017, 115).

از منظر ماده ۴۰۱ قانون مدنی، چالش اصلی آن است که آیا چنین شیوه‌ای از تعیین زمان، «مدت معین» محسوب می‌شود یا خیر. به نظر می‌رسد پاسخ باید مثبت باشد؛ زیرا هدف قانونگذار از لزوم تعیین مدت، جلوگیری از جهل، غرر و تزلزل نامحدود قرارداد است. حال اگر کد برنامه‌نویسی

به گونه‌ای تنظیم شده باشد که آغاز و پایان امکان فسخ را دقیقاً مشخص کند، هرچند این تعیین در قالب تاریخ تقویمی نباشد، هدف ماده ۴۰۱ تأمین شده است. بنابراین، ملاک، قابلیت تعیین و رفع ابهام است، نه الزاماً بیان مدت در قالب روز و ماه و سال.

بر این اساس، در قراردادهای هوشمند، «مدت» می‌تواند به سه صورت ظاهر شود: نخست، مدت تقویمی، مانند هفت روز پس از انعقاد قرارداد؛ دوم، مدت فنی، مانند تا پیش از ثبت تراکنش در بلاک‌چین؛ سوم، مدت رخدادمحور، مانند تا زمان تأیید پرداخت، تحویل دارایی دیجیتال یا تحقق شرط مقرر توسط اوراکل. در هر سه حالت، اگر زمان اعمال خيار برای طرفین و سامانه اجرایی قرارداد قابل تشخیص باشد، نباید قرارداد را به استناد ماده ۴۰۱ باطل دانست. بنابراین، تفسیر ماده ۴۰۱ در بستر اقتصاد دیجیتال باید از ظاهرگرایی لفظی فاصله گرفته و به کارکرد اصلی قاعده توجه کند. اگر ابهامی وجود ندارد و قرارداد از طریق کد یا سازوکار فنی، محدوده زمانی اعمال خيار را مشخص کرده است، حکم به بطلان شرط و عقد با اصول صحت، لزوم، حاکمیت اراده و پایداری قراردادها سازگار نخواهد بود.

۵-۱۳. بازخوانی غرر و مدت معین در

معاملات دیجیتال

یکی از مبانی اصلی سخت‌گیری قانون مدنی در ماده ۴۰۱، پرهیز از غرر است. غرر در فقه به معنای ابهام و خطری است که موجب جهل اساسی طرفین نسبت به موضوع، عوضین یا آثار قرارداد می‌شود. در خيار شرط، مشهور فقها معتقدند اگر مدت خيار مشخص نباشد، عقد دچار تزلزل نامحدود می‌شود و همین امر موجب غرر خواهد بود. قانون مدنی ایران نیز همین دیدگاه را

پذیرفته و در ماده ۴۰۱، عدم تعیین مدت را موجب بطلان شرط و عقد دانسته است.

با این حال، در اقتصاد دیجیتال باید میان «ابهام واقعی» و «ابهام ظاهری» تفکیک کرد. ابهام واقعی زمانی وجود دارد که طرفین ندانند حق فسخ تا چه زمانی باقی است و قرارداد تا چه مدت در حالت تزلزل خواهد بود. اما ابهام ظاهری زمانی است که مدت به شکل سنتی و تقویمی بیان نشده، ولی از طریق عرف، کد، الگوریتم یا رویداد فنی قابل تعیین است. در چنین حالتی، هرچند عبارت قراردادی فاقد تاریخ مشخص باشد، اما قرارداد از نظر عملی و فنی مجهول نیست (Cheung, 2023, 214).

برای مثال، اگر در یک قرارداد هوشمند شرط شود که «تا پیش از تأیید نهایی پرداخت در شبکه» امکان فسخ وجود دارد، این شرط از منظر سنتی ممکن است فاقد مدت روزانه یا ماهانه به نظر برسد؛ اما در منطق بلاک‌چین، تأیید تراکنش یک رخداد مشخص، قابل ثبت، قابل اثبات و غیرقابل انکار است. بنابراین، چنین شرطی نه تنها مبهم نیست، بلکه در برخی موارد از شرط‌های سنتی دقیق‌تر است؛ زیرا زمان تحقق آن در دفترکل توزیع‌شده ثبت می‌شود و امکان جعل یا اختلاف در آن کاهش می‌یابد.

در اینجا نقش «عرف دیجیتال» اهمیت پیدا می‌کند. همان‌گونه که در معاملات سنتی، عرف بازار می‌تواند در تفسیر قرارداد و تکمیل اراده طرفین مؤثر باشد، در معاملات دیجیتال نیز عرف فنی و تجاری پلتفرم‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. برای نمونه، در بازار رمزارزها، مفاهیمی مانند زمان بلاک، تأیید تراکنش، قفل‌شدن دارایی، آزادسازی توکن و اجرای اوراکل برای فعالان این حوزه مفاهیمی روشن و قابل فهم است. بنابراین،

اگر مدت خیار با چنین مفاهیمی تعیین شود، نمی‌توان صرفاً به دلیل فقدان تاریخ تقویمی، آن را مجهول دانست (Lau, 2023, 76).

از نظر تحلیلی، هدف ماده ۴۰۱ جلوگیری از تزلزل نامحدود قرارداد است، نه الزام به استفاده از قالب خاصی برای بیان مدت. بنابراین، هرگاه بتوان با مراجعه به قرارداد، کد، عرف تجاری دیجیتال یا داده‌های ثبت‌شده در بلاک‌چین، زمان آغاز و پایان خیار را تعیین کرد، غرر منتفی است. در چنین وضعیتی، اعمال ماده ۴۰۱ و حکم به بطلان عقد، تفسیری موسع و نامتناسب از یک قاعده استثنایی خواهد بود. نتیجه آنکه در معاملات دیجیتال، مفهوم «مدت معین» باید توسعه یابد و شامل مدت‌های عرفی، فنی، الگوریتمی و رخدادمحور نیز بشود. این بازخوانی ضمن حفظ مبانی فقهی قاعده غرر، از فروپاشی غیرضروری قراردادهای نوین جلوگیری کرده و زمینه سازگاری حقوق ایران با تحولات اقتصاد دیجیتال را فراهم می‌سازد.

۶. نتیجه

پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه «خیار شرط» در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران و واکاوی چالش‌های معاصر آن به رشته تحریر درآمد. از مجموع مباحث مطرح شده، نتایج زیر حاصل می‌گردد:

پیوند ناگسستنی فقه و قانون: مطالعه تطبیقی نشان داد که قانون مدنی ایران در مبحث خیار شرط، به طور کامل بر بنیادهای فقه امامیه استوار است. اصولی مانند لزوم تعیین مدت (جهت دوری از غرر) و قابلیت اعطای خیار به ثالث، مستقیماً از متون فقهی کلاسیک به نظام قانونی ما راه یافته‌اند. اما تحول در نظام ثبتی ایران، ماهیت برخی از این نهادها (مانند بیع‌الشرط) را از یک

معامله تملیکی به یک معامله وثیقه‌ای تغییر داده است.

لزوم عبور از صلیت ماده ۴۰۱ ق.م: یکی از یافته‌های اصلی این تحقیق، نقد رویکرد سخت‌گیرانه قانونگذار در ابطال مطلق عقد در صورت عدم ذکر مدت خيار است. در حالی که نظام‌های حقوقی مدرن و حتی بخشی از بدنه پویای فقه، به سمت «تفسیر به نفع صحت قرارداد» حرکت می‌کنند، ماده ۴۰۱ همچنان یک مانع بزرگ برای ثبات معاملات محسوب می‌شود. نتیجه این پژوهش بر این است که «مهلت عرفی» می‌تواند جایگزین خلأ زمانی در قراردادها شود.

مدرنیزاسیون نهاد خيار شرط: با ورود به عصر قراردادهای دیجیتال و هوشمند، خيار شرط دیگر صرفاً یک عبارت در یک کاغذ نیست؛ بلکه به یک «کد برنامه نویسی» تبدیل شده است. فقه و حقوق باید با پذیرش «اراده دیجیتال»، تعاریف سنتی از «فسخ» را بازسازی کنند تا در معاملات نوین دچار بن‌بست نشوند.

صیانت از حقوق ثالث و نظم عمومی: در نهایت، نتیجه گرفته می‌شود که برای کارآمدی خيار شرط، باید میان «آزادی قراردادی طرفین» و «امنیت حقوقی ثالث» تعادل برقرار شود. اجباری شدن ثبت اختیارات در اسناد رسمی و سامانه‌های ثبتی، کلیدی‌ترین راهکار برای حل اختلافات ناشی از معاملات بعدی است.

این پژوهش با عبور از مرزهای تفسیر سنتی ماده ۴۰۱ قانون مدنی، واجد نوآوری‌های بنیادین در دو سطح «مبانی فقهی» و «کاربرد حقوقی» است که در ادامه مطلب به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. تفکیک‌سازی ماهوی میان «حکم» و «توافق» در خيار شرط: نوآوری اصلی این پژوهش در سطح تئوریک، بازخوانی ماهیت خيار شرط از

طریق تفکیک میان «خيار شرط» به‌عنوان یک حق متزلزل و «شرط خيار» به‌عنوان یک تعهد تبعی است. برخلاف رویکرد مشهور که ابهام در مدت را به‌مثابه غرر مفسد عقد قلمداد می‌کند، این مطالعه با تکیه بر استدلال‌های اصولی، نشان می‌دهد که بطلان عقد در چنین فرضی، نه مقتضای ذات معامله، بلکه ناشی از «تفسیر حداکثری و سخت‌گیرانه» از قاعده غرر است. این پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان با پذیرش «مدت ضمنی» یا «مدت مبتنی بر عرف»، از لغزش به سمت بطلان کل قرارداد جلوگیری کرد. ب. بازتعریف «زمان» در بستر تکنولوژی بلاک‌چین: در سطح کاربردی، نوآوری پژوهش در انطباق یکی از کهن‌ترین نهادهای فقهی (خيار شرط) با یکی از مدرن‌ترین پدیده‌های حقوقی (قراردادهای هوشمند) است. این پژوهش استدلال می‌کند که در محیط بلاک‌چین، زمان دیگر یک مفهوم تقویمی نیست، بلکه «زمان رخدادمحور» است. ادعای بدیع مقاله این است که کدهای برنامه‌نویسی موجود در قراردادهای هوشمند، نه تنها ابهام ندارند، بلکه دقیق‌ترین شکل بیان مدت (توقف در تحقق شرط) هستند؛ لذا تمسک به ماده ۴۰۱ برای بطلان این قراردادهای ناشی از «فهم سنتی از ابهام» است که با منطق دقیق قراردادهای خوداجرا در تعارض می‌باشد.

ج. ارائه الگوی «حقوق پس‌ابطال»: این مطالعه به‌جای تکیه بر ابطال که منجر به تزلزل امنیت معاملات می‌شود، نظریه «تکمیل مدت توسط عرف» را در قراردادهای فاقد مدت مطرح می‌کند. این رویکرد، گامی بلند به‌سوی «عدالت معاوضی» است که در آن، ابزار خيار نه به‌عنوان اهرمی برای فسخ ناشی از فقدان مدت، بلکه به‌عنوان مکانیزمی

برای حفظ «پایداری قرارداد» در اقتصاد دیجیتال بازتعریف می‌گردد.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

- امامی، سید حسن (۱۳۹۸). حقوق مدنی (دوره ۶ جلدی)، جلد اول، چاپ چهلیم، تهران: انتشارات اسلامیه.
- امیری، علی؛ و پهلوان زاده، عباس (۱۴۰۳). مبانی حقوق بانکی. تهران: امجد.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۲۸). کتاب المکاسب، جلد ششم (خيارات)، قم: انتشارات مجمع الفکر الاسلامی.
- بازگیر، یدالله (۱۳۹۵). آرای قطعییت یافته دادگاه‌ها در امور مدنی (خيارات و احکام راجع به آن)، چاپ پنجم، تهران: نشر بازگیر.
- تاج لنگرودی، محمدحسن (۱۴۰۴). چالش‌های حقوقی انعقاد، اجرا و انحلال قرارداد هوشمند در بستر بلاک‌چین. تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- توسلی، علی (۱۴۰۳). ثبت الکترونیک معاملات املاک (از منظر قانون الزام به ثبت معاملات اموال غیرمنقول). تهران: دادگستر.
- جلیلی، میرجمیل (۱۳۹۹). آثار امضاء در قراردادهای سنتی و الکترونیکی. تهران: انتشارات آموزش برتر.
- حکیم، سید محسن (۱۴۱۶). مستمسک العروة الوثقی، جلد ۱۳. قم: دارالتفسیر.
- حمیدی، محمد مهدی (۱۴۰۲). بررسی تحلیلی امکان انتساب انعقاد قرارداد به سامانه‌های هوشمند. قم: حقوق پویا.

- خرام سید امین، حق پرست ذوالفقار، و اسدی کوه باد هرمز (۱۴۰۳). مسئولیت مدنی دولت در جبران هزینه ناشی از اقتصاد تورم‌زا با تاکید بر قواعد فقهی لاضرر و عدل و انصاف. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۳۵۳-۳۳۹، (۱)۶.
- شاه‌طاهری، شبنم‌سادات (۱۳۹۸). الزامات و چالش‌های ثبت الکترونیک اسناد و املاک کشور. تهران: سنجش و دانش.
- شهری، غلامرضا (۱۴۰۴). حقوق ثبت اسناد و املاک. تهران: جهاد دانشگاهی.
- شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۱۳). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. جلد ۴. قم: بنیاد معارف اسلامی.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۹). آثار قراردادهای تعهدات (دوره حقوق مدنی). چاپ هشتم، تهران: مجد.
- صفایی، سید حسین (۱۴۰۰). دوره مقدماتی حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادهای جلد دوم، چاپ بیست و ششم، تهران: نشر میزان.
- علوی امین، سیدمحمدطاهرا (۱۴۰۲). حقوق قراردادهای هوشمند: نسل جدید قراردادهای الکترونیک. قم: میراث انبیاء (ع).
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۷). حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادهای جلد پنجم. چاپ دهم، تهران: شرکت سهامی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۱). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۲). حقوق مدنی: ایقاع. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۳۶۷). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. جلد ۲. قم: اسماعیلیان.
- مرادی، رضا (۱۴۰۴). قراردادهای هوشمند و اجرای خودکار تعهدات. تهران: یافته.
- موسوی افشار، میرصابر (۱۴۰۴). ثبت الکترونیک و تحول دیجیتال در حکمرانی نوین با تاکید بر نقش هوش مصنوعی در دولت هوشمند. تبریز: نشر شیردل.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۹۶). قواعد فقهیه. جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: نشر میعاد.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام، ج ۲۳. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نوری، محمد علی، و نخجوانی، رضا (۱۳۹۰). حقوق تجارت الکترونیکی. تهران: گنج دانش.
- نیکومنش، فاطمه (۱۴۰۱). قرارداد هوشمند در ساحت مالکیت فکری. تهران: اندیشه عصر.

منابع لاتین

- Boccia, Francesco (2017). The Challenge of the Digital Economy. London: Springer International Publishing.
- Cheung, Paul (2023). The ASEAN Digital Economy. Hague: Taylor & Francis.
- Kaur, Napinder (2025). Innovation and the Sharing

Economy. Hague: Taylor & Francis.

- Lau, Chi (2023). Economic and financial issues in the post-covid-19 world. London: Frontiers Media SA.
- UNCTAD (2024). Digital Economy Report 2024. London: United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD) Press.
- Wang, Chengqi (2025). Moving Towards Sustainable Development: Exploring the Impact of Land-Use Policies on Land Green Utilization Efficiency. London: Frontiers Media SA.

.

